



✓ ۳۹۷

۱۳۸۰ / ۴ / ۲۰

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری  
مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم

ترجمه، نقد و معرفی کتاب

*Death and Afterlife*  
**«مرگ و زندگی پس از آن»**

۴ مقاله

012296

گردآورنده: استیفن تی. دیویس

پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد  
رشته الهیات و معارف اسلامی

استاد راهنما: دکتر احمد احمدی

استاد مشاور: آقای مصطفی ملکیان

مترجم: محمدرضا متقیان

۳۴۹۷۷

تقديم به

همسر فرزانه‌ام

سپاس:

معلمان فرهیخته و استادان دلسوخته شمع تاریخ بشریت و

چراغ هدایتند.

از صمیم قلب استادان گرانقدرم، استاد دکتر احمد احمدی

و استاد مصطفی ملکیان را سپاسگزارم.

سلامت و توفیقات روزافزون آنان را از درگاه خداوند منان

مسنلت دارم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
شش	پیشگفتار مترجم
شش	- ضرورت ترجمه
هشت	- در باره کتاب
ده	- در باره ترجمه
یازده	- معرفی مقاله‌ها
۱	مقدمه
۵	۱- صور فناپذیری کی نیلسن
۴۳	۲- خدا، نفس و زندگی اخروی پل بدم
۶۱	خدا و نفس: پاسخ به پل بدم کی نیلسن
۷۵	۳- حیات پس از مرگ، فراروان‌شناسی و جان‌گرایی پسانوین دیویدری گریفین
۹۸	نفس در فلسفه نوین: پاسخ ادوارد جی. هیوز
۱۱۲	۴- رستاخیز مردگان استیفن تی. دیویس
۱۴۳	از اینجا تا ابدیت: پاسخ به دیویس جری ای. ایریش
۱۴۹	خدا، نفس، سازگاری منطقی پاسخ به دیویس و هیک کی نیلسن
۱۵۵	پی‌نوشت‌های نویسندگان

### پیشگفتار مترجم

#### ضرورت ترجمه:

«بعد از مرگ، بر ما چه خواهد گذشت؟» همواره ذهن آدمیان درگیر آینده خویش بوده و با نگرانی به مسئله مرگ می‌اندیشیده است. میلی از درون، انسان را به جاودانه زیستن دعوت می‌کند و مرگ تهدیدی جدی برای این کشش باطنی است.

آیا من بعد از مرگ نابود می‌شوم و مرگ پایان همه چیز است؟

آیا بعد از مرگ دوباره در ابتدای دیگر ظهور می‌یابم؟

آیا در جهانی دیگر به زندگی ابدی خویش ادامه خواهم داد؟

دین به یاری انسان شتافته و به ندای درونی جاودانه زیستن آدمی، به نیکوترین وجه پاسخ مثبت داده است. نوید تمام ادیان ابراهیمی، حیات بدون رنج و الم برای مؤمنین است. ادیان ابراهیمی نه تنها جاودانه زیستن را که سعادت‌مندان زیستن ابدی را نیز برای آنان تضمین می‌کنند.

لیک آیا عقل را نیز توانی است تا به همراهی ندای درونی انسان و نوید دین بشتابد و او نیز بر جاودانگی مهر تأیید بزند؟ عقل، به چه میزان وقوع آخرت را محتمل می‌داند و به چه میزان جاودانه زیستن را تبیین منطقی می‌کند؟ این موضوع همواره محل تضارب آراء بزرگ اندیشمندان تاریخ علم و حکمت بوده است. فیلسوف نامدار مشاء، معاد روحانی را با چراغ عقل مبین می‌سازد و حکیم متأله حکمت متعالیه، معاد جسمانی را. از سوی دیگر دسته‌ای از فلاسفه حتی مفهوم رستاخیز جسمانی را خود متناقض می‌یابند و اندیشمندانی نیز هیچ دلیلی بر حیات پس از مرگ نمی‌یابند. دسته‌ای بر عدم وقوع آخرت و گروهی بر وقوع آن دلیل اقامه می‌کنند.

بحث از مرگ و زندگی پس از آن به منطقه خاصی و زمان معینی محدود نبوده و نخواهد بود. کتابی که در پیش روی دارید به بحث پیرامون حیات پس از مرگ از دیدگاه

فلاسفه‌ای چند پرداخته است و خود شاهدهی گویا بر این ادعا است که هیچ گاه آدمی از دغدغه مبدء و معاد فارغ نمی‌شود. این کتاب مجموعه مقاله‌هایی است که در یک نشست علمی در کالیفرنیا در ژانویه ۱۹۸۷ ارائه شده است. بنا بر شیوه برگزاری نشست‌های علمی در آن دیار، هر مقاله از این کتاب برای نقد و ارزیابی به اندیشمندان دیگری عرضه شده و این ارزیابی‌ها هم در آن نشست مطرح گشته است. از آنجایی که حجم کتاب‌هایی که در مغرب زمین به موضوع آخرت و رستاخیز جسمانی پرداخته‌اند، نسبتاً کم می‌باشد، ولیکن موضوع بسیار قابل تأمل و با اهمیت و پیچیده است، به ترجمه کتاب حاضر مبادرت ورزیدم. این کتاب حاوی نگاه عمیق و دقیق ارائه‌کنندگان مقاله‌ها و پاسخ دهندگان است که نقد و بررسی پیرامون آنها می‌تواند افق‌های بسیار نو و جذابی را در مورد عوالم پس از مرگ در پیش روی ما بگشاید. از سوی دیگر نویسندگان، هر یک دارای دیدگاه خاصی بوده‌اند و از منظرهای متفاوت همانند هندویی، بودایی، مسیحی و الحادی به مسئله مرگ و خلود انسان پرداخته‌اند. علاوه بر این، تفاسیری بسیار متعدد و بعضاً بدیع و جدید از خلود و جاودانگی نیز ارائه گشته است.

### در باره کتاب:

کتاب «مرگ و زندگی پس از آن» فراهم آمده از مجموعه مقالاتی است که تحت نظارت استیفن تی. دیویس در باره دو موضوع «خلود یا عدم خلود انسان» و «صُور مختلفی که برای خلود تصور می‌توان کرد» منتشر شده است. در هر یک از این مقاله‌ها، نویسنده از صورتی از خلود که مورد قبول خود اوست دفاع می‌کند و اشکالات مخالفان را جواب می‌گوید.

در مقاله اول کی نیلسن، یکی از معاریف فلاسفه دین که گرایش‌های الحادی دارد، از این نظریه که «مرگ پایان همه چیز است» دفاع می‌کند. آنگاه جان هیک فیلسوف دین بسیار معروف که از بزرگترین متکلمان کاتولیک مذهب این عصر هم هست به همه سخنان نیلسن جواب می‌گوید. در مقاله دوم پل بدم از این رأی دفاع می‌کند که برای خلود انسان، قبول وجود و تجرد نفس انسانی ضرورت دارد. آنگاه کی نیلسن در طی مقاله‌ای، به آراء او حمله می‌کند. در مقاله سوم جوزف پرابو، فیلسوف دین هندی تبار آمریکایی، که یکی از بزرگترین هگل شناسان روزگار ماست، از تناسخ دفاع قوی به عمل می‌آورد. آنگاه آریل گلوکلچ در

طی جوابیه‌ای، بعضی از نظرات او را رد می‌کند. در مقاله چهارم دیوید ری گریفین که از فیلسوفان دین طرفدار نهضت الهیات پویشی و تحت تأثیر وایتهد است، بر خلاف آنچه در کتب و مقالات سابقش گفته بود، از بقاء شخصی پس از مرگ دفاع بسیار جانانه‌ای دارد. آنگاه ادوارد جی. هیوز به پاره‌ای از نظراتش حمله‌ور می‌شود. در مقاله پنجم استیفن تی. دیویس، که استاد معروف فلسفه در آمریکا است، از معاد جسمانی و روحانی، باهم، دفاع بسیار دقیق و مفصلی می‌کند. آنگاه هم جری. ای. ایریش و هم کی نیلسن، در دو جوابیه مستقل، در مقام رد نظرات او بر می‌آیند. در مقاله ششم فرانسیس اچ. کوک، که از متخصصان بودایی‌شناس و خود از سالکان طریقت ذن بودایی است، در باره مرگ و پس از مرگ از نظریه‌ای دفاع می‌کند که، به گمان خودش، رأی بودا هم هست. آنگاه پل بدم نظریه او را رد می‌کند. جان هیک هم ردیه دیگری بر او می‌نویسد. کوک، در پایان، در طی مقاله دیگری، ردیه اول را، که از آن بدم است جوابی مفصل می‌دهد. در مقاله هفتم، جان هیک، که برگزار کننده نشست علمی است که همه این مقالات در آن ارائه شده است، کتاب بسیار حجیم خود را، تحت عنوان *Death and Eternal* (مرگ و حیات ابدی)، در طی مقاله‌ای تلخیص می‌کند و از نظریه ابداعی خودش دفاع می‌کند. این نظریه که برای اولین بار در تاریخ فرهنگ بشری ارائه می‌شود نظریه‌ای است بسیار پیچیده و باریک که از ترکیب سه نظریه تناسخ، خلود نفس به صورت افلاطونی - دکارتی، و معاد جسمانی فراهم آمده است. کی نیلسن به این نظریه حمله عینی می‌کند. در این هفده مقاله (مجموعه هفت مقاله و پاسخ‌های آنها) تقریباً همه تصورات مختلف راجع به مرگ و پس از مرگ هم مورد دفاع و هم مورد حمله قرار گرفته است.

از این رو ترجمه این مجموعه به زبان فارسی افق‌های بسیار نو و دل‌انگیزی را در باب مسأله مرگ و عوالم پس از آن پیش چشم خوانندگان و محققان فارسی زبان می‌آورد.

### درباره ترجمه:

مبادرت ورزیدن به ترجمه، بر دوش گرفتن بار سنگین امانت است. بنابراین تمام سعی مترجم در کتاب حاضر حفظ امانت و انتقال دقیق کلام نویسندگان مقاله‌ها بوده است. در نقل مطالب به زبان فارسی هیچ‌گونه دخل و تصرفی در عبارات کتاب صورت نگرفته و با لحاظ معنای دقیق یکایک کلمات، عباراتی معادل جایگزین شده است. در انجام این مهم،



قرین لطف و امعان نظر استاد دکتر احمد احمدی و استاد مصطفی ملکیان گردیده‌ام که در جهت پیراستن کتاب از معایب و کاستن کاستی‌های ترجمه، وقت گرانبار خویش را مصروف داشته و مرا همواره مرهون خویش ساخته‌اند. اتقان و دقتی که در این کتاب به چشم می‌آید، نشان از زحمات این اساتید گرانقدر و ضعف و سستی‌های موجود از آن مترجم است.

استاد دکتر احمد احمدی، علاوه بر راهنمایی‌ها و تذکر دقایق و ظرایف امر ترجمه، یک بار به طور کامل ترجمه را با متن تطبیق داده‌اند. استاد مصطفی ملکیان در امر ترجمه و تدوین رساله حاضر راهگشای اینجانب بوده و در این امر خطیر مساعدت‌های فراوانی نموده‌اند.

رساله حاضر ترجمه ۴ مقاله از کتاب «مرگ و زندگی پس از آن» همراه با مقدمه، خلاصه فصول و پاره‌ای پاورقی‌ها و توضیح اصطلاحات است. ارجاعاتی که در متن با شماره انگلیسی مشخص شده از آن خود نویسندگان است و در پایان کتاب آمده است و ارجاعاتی که با شماره فارسی معلوم گشته از آن مترجم است و در ذیل هر صفحه ذکر شده است.

# معرفة مقالها

### صور فناپذیری

کی نیلسن در صدد است تا در مقاله خویش، نامعقول بودن فناپذیری و رستاخیز جسمانی را اثبات کند. به دید وی اعتقاد به حیات پس از مرگ اگر به فناپذیری انسان تفسیر شود، عقیده‌ای متناقض است. یکی از دلایل ابطال اعتقاد به آخرت، عدم وجود خداوند است. اگر چه حتی با اعتقاد به وجود خداوند و پذیرش تعبدی آخرت باز هم مشکلات فوق‌العاده‌ای در مورد آن وجود خواهد داشت، به گونه‌ای که تعداد کثیری از معتقدین به وجود خدا از پذیرش آن سرباز زده‌اند.

سنن دینی غالباً از نظریه رستاخیز جسمانی دفاع می‌کنند مبنی بر این که ما موجودات تجسد یافته بعد از مرگ ابدان فعلی خود، باقی خواهیم ماند و وجود ما پس از مرگ، مشابه وجود ما قبل از مرگ است.

با فرض وجود خدا، شاید نظریه رستاخیز جسمانی ناسازگار و متناقض نباشد، اما صرف امکان منطقی، معقول بودن و وقوع امری را نمی‌رساند، خود فرض خداوند هم به عنوان فرد بی‌نهایت غیرمادی، همه جا حاضر اما متعالی نسبت به جهان، یک اعتقاد نامنسجم است. البته فرض وجود خداوند انسان گونه نامنسجم نیست اما غیر موجه است. و بنابراین در هر دو صورت اعتقاد به رستاخیز جسمانی نامعقول است.

از مشکلات اساسی رستاخیز جسمانی، حفظ هویت شخصی انسان‌هاست به گونه‌ای که بتوان گفت این (فرد در رستاخیز) همان (فرد در عالم طبیعت) است.

گاهی از جاودانگی بر مبنای ثنویت دکارتی دفاع می‌شود. اشخاص نفوس واقعی‌اند یعنی اشیاء خاص غیرمادی که به طور اتفاقی با بدن‌های فیزیکی در ارتباطند. همین نفس که ما استقلال آن از بدن را در تجربه مستقیم و بی واسطه خودمان در می‌یابیم، ضامن بقاء و جاودانگی ما پس از مرگ ابدانمان است.

البته مشکل اساسی این دیدگاه نیز تفرد نفس غیرجسمانی است.

از سوی دیگر بعضی فلاسفه تحلیلی معتقدند که تصور شخص غیرمتجسد ناسازگار است زیرا اثبات هویت یک شخص منوط به بدن اوست. حافظه نیز نمی‌تواند ملاک اولیه هویت شخصی باشد.

در ادامه مقاله نویسنده به مصائب، شرور و آلام گسترده جهان می‌پردازد و این امید که

در آخرت، جهانی برپا شود که دیگر در آن آلام و رنجی وجود نداشته باشد با توصیف فراوان این جنبه اخلاقی - اجتماعی اعتقاد به آخرت، در خاتمه اظهار می‌دارد که اعتقاد به جهان آخرت، امید به زندگی بدون تبعیض و رنج را به یک آرزوی دوردست و کاملاً بیهوده تبدیل می‌کند، در حالی که هیچ تفاوت و مسئله‌ای در ساختار زندگی فرد ایجاد نمی‌کند. ما کارهای بهتری داریم که انجام دهیم تا این که بر سر چنین آرزوهایی فکر خود را مشغول داریم و با آویختن عقل خویش بر صلیب، به حیات پس از مرگ ایمان بیاوریم.

در ادامه جان هیک فیلسوف دین بسیار معروف به تمام سخنان نیلسن پاسخ می‌دهد و گزینه «مرگ پایان همه چیز است» را رد می‌کند.

### خدا، نفس و زندگی اخروی

پل بدم سعی دارد در مقاله خود ارتباط منطقی بین باور به خدا، نفس و آخرت را اثبات کند، به گونه‌ای که هر یک از این اعتقادهای سه‌گانه برای سازگاری خود به معتبر بودن دو فرض دیگر نیازمند است. این ادعای او در جهان غرب بسیار عجیب به نظر می‌آید زیرا اعتقاد به خدا به لحاظ عقلی محترم است، اما اعتقاد به آخرت، شاید یک باور حاشیه‌ای حتی در مراکز الهیات باشد و اعتقاد به نفس نیز تقریباً غیر قابل پذیرش است و از نخستین تکالیف دانشجویان سال اول فلسفه، تحلیل نقادانه مفهوم نفس است.

مؤمنین با اعتقاد به خداوند شخصی و دوست داشتنی، ناگزیرند با عشق و توکل، ارتباطی زنده و فعال با چنین خدایی برقرار سازند و بنا بر گفته جان هیک، آنان خداوند را نه یک هستی استنتاج شده، بلکه یک واقعیت تجربه شده می‌پندارند.

بدین ترتیب پل بدم ادعا می‌کند که انسان مؤمن دارای مواجهه مستقیم با خداوند و درک بی‌واسطه شهودی از خالق خویش است. از سوی دیگر اعتقاد به خداوند و اعتقاد به حیات اخروی در هم تنیده است و تجربه دینی نه تنها برای اعتقاد به خدا که برای اعتقاد به آخرت هم مهم است. هر شخصی به طور منفرد و جداگانه برای خداوند اهمیت دارد و خداوند او را برای زندگی جدید بر می‌انگیزاند تا در بهشت به عنوان منزل حقیقی، ابدی و باشکوه خویش شکنی‌گزیند. با اعتقاد به آخرت است که تفاوت بین شیوه زندگی فرد مؤمن و غیر مؤمن، توقعات آنان از زندگی، تحلیل شرور و آلام در جهان و مبارزه با ناعدالتی‌ها معنا و مفهوم می‌یابد.

در ادامه مقاله نویسنده چنین می‌گوید که اگرچه امروز، دفاع از مفهومی معتبر از نفس سهمگین و دشوار است، اما معتبر دانستن نفس شرط لازم برای سازگاری اعتقاد به خداوند و آخرت است. اعتقاد به نفس نیز بر مواجهه مستقیم با خداوند مبتنی است. زیرا بنا بر دیدگاه روحانیت مسیحی، حواس در آگاهی تجربی از خداوند هیچ نقشی ندارند. بنابراین انسان دارای آگاهی و تجربه‌ای غیرحسی است که در آن حواس و مغز فیزیکی انسان محوریت ندارند و همین مطلب به معنای پذیرش وجود نفس در آدمی است. این تجربه دینی شیوع زیادی داشته، وقوع آن اثبات شده و تأثیر شگرفی نیز بر تاریخ بشر داشته است.

با پذیرش واقعیت داشتن نفس، یک اصل غیر فیزیکی، تداوم انسان و هویت شخصی

پانزده..... خدا، نفس و زندگی اخروی

فرد در آخرت را حفظ می‌کند چرا که نفس می‌تواند پس از مرگ جسمانی، باقی بماند. تجربه دینی، تله‌پاتی و مهم‌تر از همه تجارب نزدیک به مرگ کسانی که پس از مواجهه مختصری با مرگ احیا شده‌اند، همه مؤید وجود نفس است که فناپذیری انسان را تأمین می‌کند.

کی نیلسن با نوشتاری تحت عنوان خداوند و نفس به نقد و بررسی دعاوی پل بدم پرداخته است. او مدعی است که انتخاب بین رستاخیز جسمانی و نفس فناپذیر انتخاب بین اعتقادی آشکارا باطل و اعتقادی شاید غیر منسجم است. از سوی دیگر، دوگانه‌گرایی و فناپذیری نفس، هیچ یک ادعای مواجهه غیرحسی با خداوند یا وجود آگاهی عرفانی - شهودی بی‌واسطه نسبت به خداوند را توجیه و تبیین نمی‌کنند. چگونه انسان - مادی یا غیرمادی - در این عالم می‌تواند با چیزی متعالی نسبت به عالم مواجه شود و از او آگاه شود. اگر چنین است پس خداوند هم در عالم است نه متعالی نسبت به عالم. اگر خداوند همه جا حضور دارد، چگونه هویت او قابل تعیین است و ما چگونه می‌توانیم از موجودی که هویت او را نمی‌دانیم، آگاهی مستقیم و بی‌واسطه داشته باشیم؟

### حیات پس از مرگ، فراروان‌شناسی و جان‌گرایی پسانوین

دیوید ری‌گریفین نویسنده مقاله معتقد است که انکار نوین حیات پس از مرگ بیش از آن که بر اساس شواهد یا عدم وجود شواهد پایه‌گذاری شده باشد، مبتنی بر این الزام پیشین است که حیات پس از مرگ غیرممکن است. تجربی بودن تفکر نوین سبب مخالفت آن با زندگی پس از مرگ شده است، بدون آن که منکرین حتی با دلایل اثبات آن و قوت و ضعف آنها آشنا باشند. جهان‌بینی نوین از دوگانه‌گرایی به ماده‌گرایی الحادی سوق یافت و هرگونه ادراک غیرحسی، تأثیر از دور، ذهن یا نفس غیرمادی را انکار کرد. طبیعی است که در این جهان‌بینی جایی برای زندگی پس از مرگ نمی‌توان یافت.

از آنجا که نه دوگانه‌گرایی و نه مادی‌گرایی قابل دفاع فلسفی بودند و نه تجربه و شواهد تجربی می‌توانست مبنای مناسبی برای این نگرش جدید باشد، و نیز با دخالت عوامل دیگر، زمینه ظهور فلسفه پسانوین جان‌گرایانه فراهم گشت.

جان‌گرایی پسانوین ۴ ویژگی مهم دارد:

۱- ذهن یا نفس انسان را به لحاظ عددی متفاوت از مغز می‌داند اما به لحاظ هستی‌شناسی تفاوتی بین آنها قائل نیست.

۲- قائل است که ادراک حسی شکل اصلی ادراک نیست. ادراک غیرحسی همیشه در ما و در تمام افراد دیگر در جریان است.

۳- نفوس گوناگون درجات گوناگونی از قدرت را دارند.

۴- خداشناسی طبیعت‌گرایانه این دیدگاه را از طبیعت‌گرایی ملحدانه و یا خداشناسی فراطبیعت‌باورانه متمایز می‌سازد. و جهان‌بینی پسانوین نگرش نوین به انسان و بقای انسان را عوض می‌کند. احتمال زندگی پس از مرگ را براساس طبیعت‌باوری جایز می‌شمارد و براهین متعددی بر آن اقامه می‌کند.

از دیدگاه نویسنده، نفس دارای ادراکات غیرحسی، همانند حافظه، مواجهه با خداوند، درک معیارهای اخلاقی و زیبایی‌شناسی است. این ملاحظات نشان می‌دهد که نفس می‌تواند جدا از بدنش ادراک داشته باشد. تله‌پاتی، غیب‌بینی، تجارب نزدیک به مرگ نمونه‌هایی از این قبیل‌اند. با توجه به این شواهد است که دیوید گریفین نتیجه می‌گیرد که نفس می‌تواند جدای از بدن وجود داشته باشد. او تأکید می‌کند که اگر چه نفس انسانی از